

## سندی از روابط تجاری اتباع ایران با روسیه در دو سوی دریای مازندران

فریده طلوعیان

### ■ چکیده

از آنجاکه می‌دانیم شکل‌گیری روابط تجاری مناطق شمالی ایران [استرآباد، مازندران، گیلان] با روسیه پیشینه‌ای قدیمی‌تر از دوره قاجار دارد. وجود جاده ابریشم و راه‌های آبی در ایران باعث می‌شد که این کشور و تجار و کاسبان آن در زمینه تجارت فعال باشند. روسیه بعد از سال ۱۸۵۰م. بر تفوق تجاری و سیاسی خود در ایران افزود. این امر تا حدی ناشی از صنعتی‌شدن روسیه و تا حدی توسعه‌طلبی آن در آسیای میانه و ایران بود. در تجارت خارجی ایران، روسیه مقام اول را دارا بود به‌طوری‌که قریب به ۴۵ درصد معاملات خارجی ایران با روسیه انجام می‌گرفت. در زمان ناصرالدین‌شاه به‌جز کنسولگری‌های روسیه و نمایندگان بازرگانی این کشور، که اکنت خوانده می‌شدند، در ایالات شمالی ایران، بازرگانان ایرانی نیز فعالیت داشتند که به آنان «تاجر باشی» گفته می‌شد. اینان عاملان تجارت و بازرگانی در مناطق شمالی بودند. از ارتباطات تجاری ایرانی و روسی اسناد بی‌شماری در آرشیو ملی ایران و دیگر آرشیوهای کشور روسیه موجود است. در این پژوهش سند و کالت‌نامچه‌ای از واگذاری اموال موروثی یکی از تجار تبعه ایران در شهر غازان روسیه که محل زندگی بازرگانان و تجار بوده است مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اصل این سند در آرشیو ملی جمهوری تاتارستان روسیه به مرکزیت شهر غازان نگهداری می‌شود. روش پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و بررسی و تجزیه و تحلیل سند و روش توصیفی است.

### کلیدواژه‌ها

اسناد؛ روسیه؛ روابط تجاری؛ بازرگانان؛ تجار؛ و کالت‌نامچه؛ سجلات.

# سندی از روابط تجاری اتباع ایران با روسیه در دو سوی دریای مازندران

فریده طلوعیان<sup>۱</sup>

## مقدمه

در این سند از سنت ممتازنویسی در اسناد استفاده شده است. به طوری که نام آیه الله العظمی حاج شیخ محمد اشرفی بارفروشی، از متن سند به بالای سند ارجاع داده شده است. این سنت به هنگام نام بردن از بزرگان و رعایت ادب در تسمیه آنان خصیصه‌ای قابل توجه در نوشتار اسناد پارسی بوده است.

تجارت بین دو سوی دریای مازندران از سابقه‌ای کهن برخوردار است، به طوری که می‌توان نشانه‌هایی از آن را در زمان ساسانیان یا حتی اشکانیان یافت. این سابقه با توجه به شاهراه تجارتی دنیای قدیم موسوم به جاده ابریشم قابل تأمل است. این رگ حیات تجاری تمدن‌های بشری پس از رسیدن به فرارود و ماوراءالنهر و عبور از شهرهای بزرگی چون سمرقند و بخارا، دو سویه شده شاخه‌ای از آن به سمت سایر شهرهای آباد خراسان بزرگ چون مرو، طوس و نیشابور و سپس ری و عراق رهسپار می‌شد و شاخه‌ای دیگر به خیوه، خوارزم، اورگنج، گرگانج، غازان و غیره راه می‌برد.

در پهنه دریایی نیز با بهره‌گیری از کشتی‌های کوچک و بزرگ بادبانی و پارویی، بسته به میزان مال‌التجاره یا بضاعت تاجر، همواره شمع دادوستد دو سوی این دریا روشن بوده است. بهره‌گیری از این آبراهه هزینه انتقال کالاها را کمتر کرده، ضمن اینکه از دستبرد راهزنان خشکی و باجگیران حرفه‌ای مصون می‌داشت. البته حسن دیگر این راه‌آبی آن بود که پهنه این دریا برخلاف دریاها و اقیانوس‌های بزرگ جهان، کمتر دستخوش خیزآب‌ها و طوفان‌های

۱. کارشناس مترجمی زبان روسی،  
کارشناس بررسی اسناد و مدارک،  
اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات،  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.  
faridehtoloe2@gmail.com



۱. حاجی‌ترخان، هشت‌ترخان، آسترخان، آستاراخان، شهری بندری در مصب رود اورال به دریای مازندران، که تا اواخر دوران صفویه و افشاریه-البته به‌طور مقطعی و محدود- جزو ایران به‌حساب می‌آمد. اکنون بندر اصلی کشور قزاقستان در ساحل دریای مازندران است و تقریباً محاذی شهر بندری بابلسر است به گواهی سند فوق‌تجار بارفروشی و مازندرانی دادوستد وسیع کالا با روسیه داشتند و این شهر (حاجی‌ترخان) محل استقرار کنسولگری ایران (در دوره ایجاد سند- سال ۱۲۷۱ ق-) با مسئولیت یوسف نام به‌عنوان کاربرد از کنسولگری بوده است (آلینز، ص ۷۳).

۲. مشهدسر، نام قدیم شهر بابلسر است که وجه تسمیه آن به خاطر دفن سر امامزاده ابراهیم (ع) از نوادگان امام زین‌العابدین- علیه السلام- در این شهر بوده است. این شهر در دوسوی رود بابل واقع و از قدیم لنگرگاه کشتی‌های تجاری بوده است. نام این شهر در سال ۱۳۱۰ شمسی توسط رضاشاه پهلوی از مشهد سر به بابلسر تغییر داده شده است (مهجوری، صص ۱۲۶-۱۲۷).

۳. غازان، یا قازان؛ نام شهر و مرکز جمهوری تاتارستان در منطقه مسلمان‌نشین جنوب روسیه است، که هم‌اکنون این جمهوری جزو فدراسیون روسیه می‌باشد (آلینز).

۴. بارفروش: بابل امروزی، بزرگترین شهر مازندران در دوران قاجاری که با پیش‌بندر مشهدسر، مرکز تبادلات تجاری-صادراتی گسترده ایران با روسیه بوده است. حوزه علمیه پروتقی هم در زمان قاجاری با مدارس بسیار در آن برقرار که فقها و مجتهدین و علمای بزرگی از آن برخاسته‌اند (صالح طبری، صص ۲۵-۲۸).

۵. آیه‌الله ملا محمد اشرفی بارفروشی از بزرگ‌ترین علمای سده سیزدهم و چهاردهم قمری، متولد ۱۲۱۹ ق. در اشرف مازندران (بهشهر امروزی) و متوفای سال ۱۲۷۰ قمری و پس از درگذشت او از سال ۱۲۷۰ قمری و پس از درگذشت استادش- سعیدالعلمای بارفروشی- زعامت و مرجعیت مسلمانان را تا زمان وفاتش در ۱۳۱۵ قمری عهده‌دار شد. ناصرالدین‌شاه در دو سفرش به مازندران به خدمت این عالم دینی شرفیاب شده و کیفیت این دیدارها را در سفرنامه‌اش بیان کرده است (مهجوری، ص ۸۰؛ آغا بزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۴۶؛ اعتمادالسلطنه، ج ۱، ص ۱۲۸).

سهمگین و خطرناک می‌شد و این حسن حاصل بسته‌بودن این دریا بوده است.

تجّار مازندرانی از دیرباز با مال‌التجّاره‌ای مملو از کالاهایی چون، ابریشم، برنج، پنبه، کتان، مرکبات، خشکبار، نیشکر، شکر سرخ، چرم و پوست و دست‌بافته‌هایی از جمله چوخا، چادر شب، بافته‌های ابریشمی، ماهی (هم به‌صورت تازه و هم نمک‌سود و شور) به آن سوی آب‌های دریا رهسپار و از جنوب روسیه کالاهایی چون شکر سفید و قند و کاغذ و نفت و این اواخر مصنوعات فلزی و آهن و غیره وارد می‌کردند.

در گذشته و از زمان صفویه به بعد مبادلات تجاری بین مناطق شمالی ایران- مازندران- گیلان- با غازان و پیش‌بندر آن حاجی‌ترخان<sup>۱</sup> برقرار بود این بندرگاه علاوه بر این که همچون مشهدسر<sup>۲</sup> در مازندران، نقش لنگرگاه کشتی‌های تجاری را ایفا می‌کرد و محل تعمیر کشتی‌ها و تهیه ارزاق و ادوات برای سفر دریایی بود، محل اطراق و استقرار کاروانیان و تجّار برای فروش مال‌التجّاره و احیاناً وصول مطالبات قبلی‌شان نیز بود. حتی برخی از تجّار که از پشتوانه مالی بهتری برخوردار بودند ترجیح می‌دادند که از قیل خود ملک و مستغلات و منزلی داشته باشند تا هنگام اقامت در خاک غربت، کم‌تر رنج دوری از وطن را احساس کنند.

سند حاضر که در یازده سطر و به خط شکسته نستعلیق، با رعایت سنت ممتازنویسی در ادب پارسی، حاوی حدود بیست و هفت مهر از بزرگان بارفروش، در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری (سال ۱۲۷۱ ق.) کتابت شده است، دلیلی متقن و شاهدهی زنده از گفته‌های فوق است. توضیح اینکه این سند را یک هیئت روسی هنگام سفر به ایران و در حین بازدیدی که از سازمان اسناد و کتابخانه ملی داشته‌اند به معاونت اسناد اهدا کردند.

### بازخوانی متن سند:

چون که مرحوم مغفور حاجی میرابوطالب مشهدسری، در ولایت غازان<sup>۳</sup> به رحمت ایزدی واصل شد، و از او دو پسر و دو دختر، و هم: عالی حضرت سیادت و نجابت مرتبت آقا میرمومن و آقا سید محمد صغیر، و حمیده خاتون و سیده بیگم، در بلده طیبی بارفروش<sup>۴</sup> و مشهدسر مانده و دو زوجه دائمه و همّا: علیا جناب‌جان‌جان، که مشهدسریه والده آقا میرمومن و حمیده خاتون، و خدیجه خانم بارفروشیه، که مادر سید محمد صغیره است و سیده بیگم، دختر زنبق نام که جاریه است، می باشد و برای صغیر وصی و ولی نبود، اختیار آن من باب‌الولایه با حاکم شرع و هو جناب، مستطاب شامخ باللقاب [مجتهد العصر، فرید الذهر، افضل العظام، و اعلم العلماء الفخّام، افتخارالحاج و اشرف‌العمار، حاجی ملا محمد<sup>۵</sup>- دام فضله-] بوده است، و اموال موروثه ورثه در غازان بوده است فلهذا، جمیع ورّاث مذکور وکیل مطلق و نائب شرعی خود نمودند، ولد ارشد مذکور را که آقا میرمومن باشد در ضبط و اخذ مال موروثه ایشان که به هر نحو و



هر قسم که مصلحت داند،

از مرافعه و مصالحه و تحلیف و غیر ذالک، مال ایشان را وصول و ایصال موکّلین خود نماید، و این چند کلمه بر سبیل وکالت نامچه قلمی گردید تا عند الحاجة حجت بوده باشد. وکان ذالک فی ۲۵ شهر محرم الحرام ۱۲۷۱

### سجلات سند:

بسم الله تعالى، قد اعترف بالتوكيل لدى العبد الذليل، نَمَقَه المحتاج الى رحمه رب العالمين (مهر بيضی با نقش): عبده زين العابدين<sup>۱</sup>.

قد اعترف بالتوكيل المسطور كما فيه، لدى الاحقر، (مهر بيضی با نقش): ربيع ابن محمد تقی الحسيني<sup>۲</sup>.

قد اعترف بالتوكيل المسطور لدى، كتب العبد الأثم (مهر بيضی با نقش): عبده الراجی محمد شفيح.

قد اعترف بالتوكيل المزبور و كان السيد مومن قِيماً و وكياً عن الكل، كما زبر فيه، لدى (مهر بيضی با نقش): اللهم صل على محمد و آل محمد.

از قراری که به این جانب معلوم و محقق شد آقا میر مومن ولد میر مزبور، از طرف وراث پدر خودش وکیل است. قونسول میرزا یوسف خان، (مهردایره ای کنسولگری ایران در شهر حاجی ترخان روسیه):

کارپرداز و قونسول دولت علیه ایران، مقیم حاجی ترخان.

شفيح ابن صالح، (مهر بيضی): محمد، شفيح محمد شفيح.

اقل السادات مشهدي شعبان علی، (مهر چارگوش): عبده شعبان الحسيني.

خير الحاج، حاجی عبدالله، (مهر بيضی): عبدالله ابن كريم.

اقل العباد محمد علی، (مهر چارگوش): ربّ نجني بمحمد و علی.

اقل السادات سيد آقا، (مهر بيضی): عبده الراجی بابا الحسيني.

الشهود، حقیر اقل الحاج، ابن مرحوم حاجی محمد حسين لنگرودی، (مهر بيضی): محمود. (مهر چارگوش): علی اصغر.

خير الحاج، حاجی میرزا خليل، (مهر بيضی): يا خليل الله.

قد اعترف بالتوكيل المسطور، لدى، (مهر بيضی): لا اله الا الله الملك الحق المبين، عبده محمد علی.

قد اعترف بالتوكيل المسطور لدى، العبد الذليل العاصی، اقل الحاج، (مهر بيضی): محمد صادق ابن محمد اسمعيل.

۱. شيخ زين العابدين بارفروشي: از مراجع مسلم تقليد شيعيان مقيم كربلاي معلي که در سراسر جهان اسلام خصوصاً شبه قاره هند و پاکستان پروان زيادي داشت. البته اين سند نشانگر اقامت اين عالم ديني در زمان تنظيم سند- سال ۱۲۷۱ ق.- در شهر بارفروش است. آيه الله شيخ زين العابدين بارفروشي در سال ۱۳۰۹ قمری در كربلا درگذشت (امین، ص ۲۸۷؛ زرکلي، ص ۹۲۳؛ ثقه الاسلام تبريزي، ص ۱۶۴).  
۲. سيد محمد ربيع حسيني بارفروشي: از جمله علمای مازندران و بارفروش در دوره ناصري بوده است. علامه شيخ آغا بزرگ طهراني در شرح حالش چنین آورده اند: «آقا سيد ربيع عالمي جليل القدر بود که از مراجع امور و رجال ديني مشهور در باب به حساب مي آمد». فاضل مراغي از او ياد کرده و او را از علمای عصر ناصرالدين شاه قاجار برشمرده که در تاريخ تأليف کتاب يعني سال ۱۳۰۶ قمری زنده بود، (طهراني، ج ۲، ص ۷۲۱؛ مراغي، ص ۱۵۸).

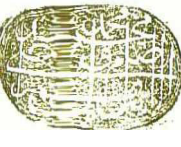


(مهر بیضی): عبده محمد علی.  
 (مهر بیضی): عبده الراجی، محمد صادق.  
 (مهر بیضی): یا شفیع المذنبین.  
 حاجی احمد، (مهر بیضی): عبده الراجی، احمد.  
 آقا عبدالله، (مهر بیضی): عبده الراجی، عبدالله ابن آقا کوچک.  
 خیر الحاج، حاجی محمد علی، (مهر بیضی): محمد علی.  
 خیر الحاج حاجی محمد هادی، (مهر بیضی): محمد هادی.  
 قد اعترف بالتوکیل المسطور، لدی عبد الذلیل العاصی، (مهر بیضی): عبده آقا الحسینی.  
 شهد بما رقمه فيه، (مهر بیضی): یا ابا عبدالله.  
 اقل العباد، رمضان علی (مهر بیضی): عبده رمضانعلی.  
 (مهر بیضی): الهی به اعزاز آن پنج تن-بیخشی گناه محمد حسن.  
 مهر آقا عباسقلی- بنده درگاه جم جاه شهنشاه ایران، حاکم بندر مازندران، فدوی (مهر بیضی): عبده عباسقلی<sup>۱</sup>.

۱. عباسقلی خان ارباب: حاکم بارفروش و مشهدسر، در زمان ناصری که اتفاقاً بانی تعمیرات عمارت بحرالارم بارفروش نیز بوده است. وی قبل از قهار قلی خان قاجار حاکم بارفروش بود و رابطهای صمیمی با علمای شهر داشت. اصالتاً از روستای پازوار بین بابل و بابلسر می‌باشد (برگرفته از اسناد آلبوم شماره ۳۰۵ بیوتات سلطنتی، حاوی مکاتبات عباسقلی ارباب با معزالدوله حاکم مازندران).



توضیحاتی در مورد مهرها

| ردیف | نقش مهر                                                  | معرفی صاحب مهر<br>در متن سجلات                                                                                                              | تصویر مهر                                                                           | محل<br>نگهداری مهر                           |
|------|----------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------|
| ۱    | عبده زین العابدین                                        | بسم الله تعالى، قد<br>اعترفن بالتوكيل لدى<br>العبد الذليل، نمقه<br>المحتاج الى رحمه رب<br>العالمين                                          |    |                                              |
| ۲    | ربیع ابن محمد<br>تقی الحسینی                             | قد اعترفن بالتوكيل<br>المسطور كما فيه، لدى<br>الاحقر                                                                                        |    |                                              |
| ۳    | عبده الراجی محمد<br>شفیع                                 | قد اعترفن بالتوكيل<br>المسطور لدى، كتب<br>العبد الآثم                                                                                       |    |                                              |
| ۴    | اللهم صل على<br>محمد و آل محمد.                          | قد اعترفن بالتوكيل<br>المزبور و كان السيد<br>مومن قیماً و کيلاً<br>عن الكل، كما زبر<br>فيه، لدى (مهر بیضی با<br>نقش)                        |   |                                              |
| ۵    | کارپرداز و قونسول<br>دولت علیه ایران،<br>مقیم حاجی ترخان | از قراری که به این<br>جانب معلوم و محقق<br>شد آقا میر مومن ولد<br>میر مزبور، از طرف وراثت<br>پدر خودش وکیل است.<br>قونسول میرزا یوسف<br>خان |  | کنسولگری ایران<br>در شهر حاجی<br>ترخان روسیه |
| ۶    | محمد، شفیع<br>محمد شفیع                                  | شفیع ابن صالح                                                                                                                               |  |                                              |

|    |                                                        |                                                                      |                                                                                     |  |
|----|--------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|--|
| ٧  | عبده<br>شعبان الحسيني.                                 | اقل السادات مشهدي<br>شعبان على                                       |    |  |
| ٨  | عبداله ابن كريم                                        | خير الحاج، حاجي عبدالله                                              |    |  |
| ٩  | ربّ نَجْنِي بِمَحْمَد<br>و على                         | اقل العباد محمد على                                                  |    |  |
| ١٠ | عبده الراجي بابا<br>لحسيني                             | اقل السادات سيد آقا                                                  |    |  |
| ١١ | محمود                                                  | الشّهود، حقير اقل الحاج،<br>ابن مرحوم حاجي محمد<br>حسين لنگرودي      |   |  |
| ١٢ | على اصغر                                               | -                                                                    |  |  |
| ١٣ | يا خليل الله                                           | خير الحاج، حاجي ميرزا<br>خليل                                        |  |  |
| ١٤ | لا اله الا الله الملك<br>الحق المبين، عبده<br>محمد على | قد اعترفن بالتوكيل<br>المسطور، لدى، حاج<br>محمد على                  |  |  |
| ١٥ | محمد صادق ابن<br>محمد اسمعيل                           | قد اعترفن بالتوكيل<br>المسطور لدى، العبد<br>الذليل العاصي، اقل الحاج |  |  |
| ١٦ | عبده محمد على                                          | -                                                                    |  |  |

|    |                                         |                                                        |                                                                                     |  |
|----|-----------------------------------------|--------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|--|
| ۱۷ | عبدہ الراجی،<br>محمدصادق                | مستطبی [معرف شغل<br>صاحب مهر]                          |    |  |
| ۱۸ | یا شفیع المذنبین                        | -                                                      |    |  |
| ۱۹ | عبدہ الراجی، احمد                       | حاجی احمد                                              |    |  |
| ۲۰ | عبدہ الراجی،<br>عبدالله ابن آقا<br>کوچک | آقا عبدالله                                            |    |  |
| ۲۱ | محمدعلی                                 | خیر الحاج، حاجی<br>محمدعلی                             |   |  |
| ۲۲ | محمدهادی                                | خیر الحاج حاجی<br>محمدهادی                             |  |  |
| ۲۳ | عبدہ آقا الحسینی                        | قد اعترف بالتوکیل<br>المسطور، لدى عبد الذلیل<br>العاصی |  |  |
| ۲۴ | یا ابا عبدالله                          | شهد بما رقمه فيه                                       |  |  |
| ۲۵ | عبدہ رمضانعلی                           | اقل العباد، رمضان علی                                  |  |  |

|    |                                                     |                                                                                     |                                                                                   |  |
|----|-----------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|--|
| ۲۶ | الهی به اعزاز آن<br>پنج تن - بیخشی<br>گناه محمد حسن | -                                                                                   |  |  |
| ۲۷ | عبده عباسقلی                                        | مهر آقا عباسقلی - بنده<br>درگاه جم جاه شهنشاه<br>ایران، حاکم بندر مازندران،<br>فدوی |  |  |

### توضیحات و یافته‌ها

همان‌طور که در بازخوانی سند آمده است، یکی از تجار مازندرانی ساکن در بابل که دارای زن و فرزند و خانواده در این شهر و همچنین در بابلسر - به‌عنوان پیش‌بندر و لنگرگاه کشتی‌های تجاری - بوده است، مرادوات گسترده تجاری با غازان روسیه داشته است. این ارتباطات با بهره‌گیری از راه دریایی و توسط کشتی‌های بادی و در این اواخر کشتی‌های بخاری امکان‌پذیر بود. این تاجر که حاج میرابوطالب مشهدسری نام دارد، در غازان روسیه فوت می‌کند و چون احتمالاً مال‌التجاره و یا املاک و مستغلاتی در آنجا داشته است. بازماندگانش، پسر بزرگ او میرمحمد مومن را به وکالت انتخاب می‌کنند و وکالت‌نامه‌ای با امهار علما، حاکم، تجار و معاریف شهر بارفروش در اختیارش قرار می‌دهند تا اموال و ماترک تاجر متوفی را به ورثه برساند. در متن سند از طرف ورثه به او این اختیار داده شده است که با فروش و یا مصالحه و نیز در صورت لزوم اقامه دعوی در دادگاه‌های روسیه و حتی تحلیف و سوگند خوردن، تکلیف اموال را مشخص کند.

### منابع:

- طهرانی، آغابزرگ (۱۹۸۳م-۱۴۰۳ق) الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالفکر.
- طهرانی، آغابزرگ (۱۳۵۴) نقباء البشر، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بامداد، مهدی، (۱۳۷۱) شرح حال رجال ایران، تهران: انتشارات زوآر.
- فاضل مراغی، (---) مآثر و آثار، قم انتشارات؟؟؟.
- امین، محسن، (۱۴۰۳ق-۱۹۸۳م) اعیان الشیعه، به کوشش حسن امین، بیروت: دارالعلم.
- زرکلی، (۱۹۸۹م) الاعلام قاموس الرجال والنساء من العرب والمستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ثقة الاسلام تبریزی، علی بن موسی، (۱۳۸۴). مرآة الکتب، چاپ محمد علی حائری، قم: الهادی.



- مهجوری، اسماعیل، (۱۳۵۳). دانشمندان و رجال مازندران، به کوشش هدایت‌اله مهجوری، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۳). المآثر والآثار، ج ۱، چاپ ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- آلینر، شیرین (۱۳۶۷). اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا، تهران.
- بیات، کاوه (ترجمه) (۱۳۷۰). مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده، تهران.
- اسماعیل حکیم اوغلو، (بی‌تا) مسلمانان روسیه چگونه به دام کمونیستها افتادند، ترجمه سعید سخاوند، قم انتشارات پیام آزادی، بی‌تا.
- صالح طبری، صمد (۱۳۷۸). بابل: سرزمین طلای سبز، تهران انتشارات فکر روز.

